

نقش کانون‌های تفکر در فرایند سیاستگذاری

معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی
دفتر مطالعات سیاسی

کد موضوعی: ۳۳۰
شماره مسلسل: ۱۶۶۸۰

مهرماه ۱۳۹۸

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	فصل اول - ماهیت و فلسفه وجودی کانون‌های تفکر
۱۰.....	فصل دوم - شیوه‌های تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرایندهای سیاست‌گذاری
۱۶.....	فصل سوم - چالش‌های رویاروی کانون‌های تفکر در تأثیرگذاری
۲۰.....	فصل چهارم - پیشنهادهایی برای رابطه متقابل کانون‌های تفکر و حکومت‌ها
۲۲.....	نتیجه‌گیری
۲۴.....	منابع و مأخذ



نقش کانون‌های تفکر در فرایند سیاستگذاری

چکیده

در جنگ ایده‌ها، کانون‌های تفکر یک کشور، ارتش فکری و یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. دیدگاه عمومی این است که فلسفه وجودی کانون‌های تفکر به حرکت درآوردن تخصص‌ها و ایده‌ها برای اثرگذاری بر فرایندهای سیاستگذاری است. در جهانی که با مسائل عاجل گوناگونی از قبیل فقر مفرط، نابرابری، تغییرات آب‌وهوایی، شهرنشینی گسترده، شیوع بیماری‌های واگیردار، منازعات نظامی، تروریسم بین‌المللی، جنایت‌های سازمان‌یافته و گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی روبه‌رو است، ارائه ایده‌های خوبی که قابلیت کاربردی داشته باشند ضروری به نظر می‌رسد. تردیدی نیست که حکمرانی خوب و فنی به تصمیم‌گیری متفکرانه و مستند نیاز دارد. در این میان کانون‌های تفکر می‌توانند نقشی مهم در حوزه قانونگذاری و سیاستگذاری بازی کنند. کانون‌های تفکر سازمان‌هایی مستقل و غیرانتفاعی هستند که با هدف کسب حمایت و تأثیرگذاری بر فرایند سیاستگذاری، با تکیه بر تخصص و فکر به تولید ایده‌ها می‌پردازند. یکی از کارکردهای اولیه کانون‌های تفکر کمک به آموزش سیاستگذاران و مردم در رابطه با مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. کانون‌های تفکر به عنوان سازمان‌های پژوهشی سیاست عمومی به رفع شکاف میان جهان اندیشه‌ها و جهان سیاست کمک می‌کنند، اما چالش‌هایی نیز در برابر فعالیت این نهادها وجود دارد که با توجه

به محیط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر کشور فرق می‌کند. شاید مهم‌ترین موضوعی که کانون‌های تفکر امروز در سراسر جهان با آن مواجه هستند مشکلات بودجه است. بخش قابل توجهی از کانون‌های تفکر برای تأمین نیازهای مالی سالیانه خود به کمک‌های اشخاص، شرکت‌ها و دیگر نهادهای خصوصی و دولتی متکی هستند. در نتیجه این امکان وجود دارد که کانون‌های تفکر به آسانی گوش به فرمان منافع حامیان مالی بوده و تنها به موضوعات خاصی پرداخته و از کار پژوهشی گسترده غافل شوند. یکی از آفت‌های مهم کانون‌های تفکر گرایش به «تفکر خودکار» و پرهیز از «تفکر نوآورانه» است. حدود ۸۰۰۰ اندیشکده سیاستی یا کانون تفکر در سراسر جهان وجود دارد که از این تعداد بیش از ۱۸۷۰ کانون تفکر در ایالات متحده و به ویژه در واشنگتن واقع شده‌اند. بودجه سالیانه اندیشکده RAND، بالغ بر ۲۶۰ میلیون دلار است. برخی دیگر مانند مؤسسه بروکینگز و بنیاد هریتیج بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار بودجه دارند. تفاوت در منابع بودجه‌ای کانون‌های تفکر محافظه‌کار و لیبرال، اغلب با تفاوت‌هایی در رهبری، راهبرد و شیوه تخصیص بودجه همراه است.

مقدمه

اندیشه‌های کانون‌های تفکر بسیار نیرومند هستند، اما با تکثر و جهانی شدن فزاینده منابع اطلاعاتی، بیم آن می‌رود که اندیشه‌های مناسب از دست برود. در حالی که سیاستگذاران اغلب نه از کمبود اطلاعات، بلکه از سیل عظیم اطلاعات پراکنده رنج می‌برند. سیاستگذاران به شیوه‌های نوینی برای ساماندهی و پالایش اندیشه‌های سیاستی نیاز دارند تا بتوانند به محیط سیاستگذاری که پیوسته در حال تغییر است واکنش مؤثرتری



نشان دهند. نهادهای پژوهشی سیاست عمومی، یا همان کانون‌های تفکر، ظرفیت‌های خود را به گونه‌ای افزایش داده‌اند که بتوانند به موضوعات سیاستی فرامرزی نیز بپردازند.^۱ حوزه کانون‌های تفکر همچنین می‌تواند به عنوان شاخصی کلیدی برای وضعیت جامعه مدنی در یک کشور عمل کند. اگر تحلیلگران و منتقدان مرتبط با کانون‌های تفکر آزادی عمل دارند، پس دیگر جامعه نیز می‌تواند آزادانه عمل کند.^۲ دسترسی به اطلاعات و دانش متناسب پیرامون مسائل مختلف برای توجیه تصمیم‌های سیاستی روزبه‌روز برای حکومت‌ها دشوارتر می‌شود. بنابراین باید سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای برای نهادهای مشاوره‌ای کنار گذاشته شود، نهادهایی که می‌توانند یافته‌های مطالعات بنیادین را به گزینه‌های سیاستی ترجمه کرده و سیاستمداران را قادر سازند پیامدهای تصمیم‌های خود را ببینند. این همان جایی است که کانون‌های تفکر وارد بازی می‌شوند.^۳

فصل اول – ماهیت و فلسفه وجودی کانون‌های تفکر

بحران‌های جهانی امروزه الگوهای حکمرانی سنتی را به چالش کشیده است. در این میان کانون‌های تفکر به عنوان مخزنی از کار کارشناسی غیردولتی بر سیاست‌های ملی و بین‌المللی تأثیرگذارند. کانون‌های تفکر از دل جامعه مدنی بیرون آمده و در گفتگو پیرامون

1. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.1.

2. **Ibid**, p.6.

3. Traub-Merz, Rudolf, Do We Need More and More Think Tanks?, in Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?, Briefing Paper Special Issue, Shanghai, September 2011, pp.4-8.

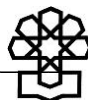
سیاست‌های عمومی مشارکت دارند، اما نمی‌توان از نقش آنها در تعریف و به‌کارگیری راهبردها و سیاست‌های دفاعی چشم‌پوشی کرد. رابطه میان کانون‌های تفکر و دفاع نمایانگر یک تاریخ همزیستی است. در واقع خود نام «Think Tank» روشنگر ارتباط این نهادها با اندیشه‌های نظامی است. به نظر می‌رسد بستری که کانون‌های تفکر در آن فعالیت می‌کنند و به عنوان «جنگ ایده‌ها» تعریف می‌شود، آهنگی نظامی دارد.^۱ در جنگ ایده‌ها، کانون‌های تفکر ارتش فکری یک کشور محسوب شده و یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم به حساب می‌آیند. کانون‌های تفکر ابزاری برای قدرت نرم و یکی از گزینه‌های کشورها برای گسترش رهبری در سطح جهانی هستند.^۲

بر اساس گزارش سالیانه شاخص جهانی کانون‌های تفکر که در دانشگاه پنسیلوانیا منتشر می‌شود، حدود ۸۰۰۰ اندیشکده سیاستی یا کانون تفکر در سراسر جهان وجود دارد.^۳ از این تعداد بیش از ۱۸۷۰ کانون تفکر در ایالات متحده و به ویژه در واشنگتن واقع شده‌اند از قبیل مؤسسه بروکینگز، بنیاد کارنگی و بنیاد هریتیج. از دید بسیاری از صاحب‌نظران، مطالعه پدیده کانون‌های تفکر و شرح نهادهای سیاستی از بخش دوم قرن بیستم و در دهه‌های نخست قرن حاضر، اهمیت، جایگاه و تأثیرگذاری فزاینده آنها را بازتاب می‌دهد. این دیدگاه از سوی مدیران کانون‌های تفکر تقویت می‌شود، زیرا نهادهای خود را در شکل‌گیری گفتمان‌های سیاستی و زبان قانونگذاری دخیل می‌دانند.

1. Urrutia, Olivier, The Role of Think Tanks in the Definition and Application of Defence Policies and Strategies, Revista del Instituto Español de Estudios Estratégicos, Núm. 2 / 2013, pp.2-6.

2. Ibid

3. G. McGann, James, 2017 Global Go To Think Tank Index Report.



کانون‌های تفکر سازمان‌هایی مستقل و غیرانتفاعی هستند که با هدف کسب حمایت و نیز تأثیرگذاری بر فرایند سیاستگذاری، با تکیه بر تخصص و فکر به تولید ایده‌ها می‌پردازند.^۱ کانون‌های تفکر برای دستیابی به اعتبار می‌کوشند استقلال خود را به حداکثر میزان ممکن برسانند. تنها در صورت استقلال از منافع مالی است که پژوهش‌های کانون‌های تفکر جدی گرفته می‌شود. حتی کانون‌های تفکری که فعالانه به انجام پژوهش‌هایی در راستای ایدئولوژی‌ها یا دیدگاه‌های مشخص مشغول هستند، تلاش می‌کنند چهره‌ای مستقل از گروه‌های ذی‌نفع (به ویژه در ساختار قدرت) از خود به نمایش بگذارند. آنها همچنین سعی می‌کنند در کنار انتشار گزارش‌ها، توجه تصمیم‌گیران را به پژوهش‌های خود جلب کرده و با برقراری ارتباط با آنها بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند.^۲ از جمله مهم‌ترین کارکردهای کانون‌های تفکر می‌توان به این موارد اشاره کرد: واسطه‌گری میان حکومت و مردم؛ تشخیص، بیان و ارزیابی موضوعات، مشکلات و پیشنهادهای کنونی یا در حال ظهور؛ تبدیل اندیشه‌ها و مسائل به موضوعاتی برای سیاستگذاری؛ ایفای نقش به عنوان صدایی مستقل در گفتگوهای سیاستی؛ فراهم‌سازی محیطی برای تبادل اندیشه‌ها و اطلاعات.^۳

اما به‌رغم حضور آشکارتر کانون‌های تفکر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه (شکل ۱)، در مطالعات انگشت‌شماری به طور جدی پیرامون ارزیابی آثار آنها بحث شده است. هرچند خوشبختانه در سال‌های اخیر علاقه به نقش کانون‌های تفکر افزایش یافته و توجه بیشتری به ارزیابی کارکرد آنها معطوف شده است. اکنون ماهیت و فرایند

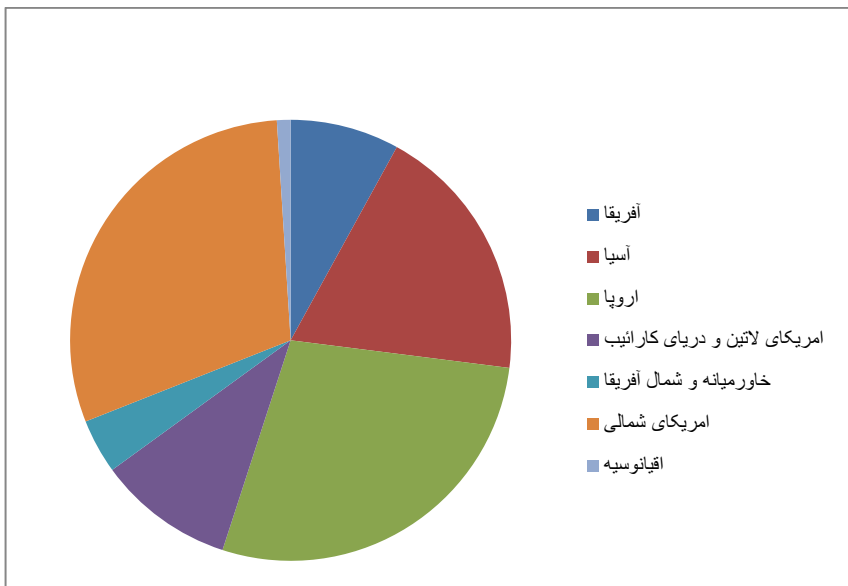
1. Rich, Andrew, *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*, Cambridge University Press, 2004, p.11.

2. Rich, Andrew, *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*, Cambridge University Press, 2004, p.12.

3. G. McGann, James, Sabatini, Richard, *Global Think Tanks, Policy networks and Governance*, Routledge, 2011, p.4.

سیاستگذاری و تلاش‌های کانون‌های تفکر برای شکل‌دهی اولویت‌های سیاستی و گزینه‌های سیاستگذاران به صورت نقادانه‌تری بررسی می‌شود. اندیشمندان اکنون می‌کوشند به شیوه‌ای روشمندتر و نظاممندتر به این پرسش بیندیشند که چگونه و تحت چه شرایطی کانون‌های تفکر می‌توانند از طریق مجراهای حکومتی و غیرحکومتی بر دیدگاه عمومی درباره موضوعات سیاست داخلی و خارجی تأثیر بگذارند.^۱

شکل شمار کانون‌های تفکر در سراسر جهان^۲ (درصد)



1. E. Abelson, Donald, Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes, Third Edition, McGill-Queen's University Press, 2018, pp.3-4.

2. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.6.



یکی از دشواری‌های روش‌شناختی در ارزیابی میزان تأثیر کانون‌های تفکر در فرایند سیاست‌گذاری آن است که کانون‌های تفکر از یکسو و سیاست‌گذاران از سوی دیگر برداشت‌های متفاوتی از مؤلفه‌های «تأثیر» و «شیوه ارزیابی» آن دارند. به علاوه همراه با گسترش جامعه سیاست‌گذاری، تلاش برای ردیابی سرچشمه یک سیاست تا رسیدن به یک شخص یا نهاد خاص اغلب کاری بیهوده است. به عبارت دیگر هر ایده سیاستی موفق صدها پدر و مادر دارد، اما هر ایده سیاستی بد، یتیم است.^۱ اندازه‌گیری‌های کمی نیز به تنهایی سنجه محکم و معتبری محسوب نمی‌شوند، زیرا «معیارهای کمی، از قبیل شمار استناد در رسانه‌ها، تنها این واقعیت را نشان می‌دهند که درباره ایده‌ها سخن گفته شده است، نه اینکه حقیقتاً بر طرز فکر ناظران تأثیر گذاشته‌اند».^۲ میزان تأثیر کانون‌های تفکر را می‌توان با مقایسه اولویت‌های سیاستی کانون‌های تفکر با خروجی نهایی سیاست‌های حکومتی اندازه‌گیری کرد.^۳

در حالی که کارکرد اصلی کانون‌های تفکر کمک به دولت برای فهم موضوعات ملی و بین‌المللی و داشتن بهترین انتخاب‌هاست، آنها همچنین نقش‌های گوناگون دیگری نیز دارند همانند ایفای نقش واسطه میان دولت و مردم برای کمک به ایجاد اعتماد؛ ایفای نقش به عنوان یک صدای مستقل و آگاه در گفتگوهای سیاستی؛ تشخیص، بیان و ارزیابی موضوعات، پیشنهادها و برنامه‌های سیاستی حال حاضر؛ تبدیل اندیشه و مسائل موجود به موضوعات سیاستی و غیره.^۴

1. E. Abelson, Donald, Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes, Third Edition, McGill-Queen's University Press, 2018, p.7.
2. Jérôme-Forget, "Institute for Research on Public Policy,"
3. Sun Zhiru, Zhang Zhiqiang, Measuring Think Tank Influence Using Quantitative Text Analysis, International Conference on Information, Business and Education Technology (ICIBIT 2013).
4. G. McGann, James, Think Tanks and Policy Advice in The US, Foreign Policy Research Institute, August, 2005, p.3.

دو دیدگاه درباره کانون‌های تفکر وجود دارد. دیدگاهی که به دانشگاه گرایش دارد معتقد است کانون‌های تفکر باید به معیارهای پژوهش دانشگاهی پرداخته و بر تصویر بزرگ و موضوعات بلندمدت تمرکز داشته باشند. از سوی دیگر دیدگاهی که به سیاست توجه دارد بر این باور است که کانون‌های تفکر باید بیشتر به سیاست فکری توجه داشته و بر نیازهای سیاستگذاران و موضوعات حال حاضر جامعه تمرکز کنند.^۱ در همین رابطه برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که به طور عمده دو نوع کانون تفکر وجود دارد. یک دسته از کانون‌های تفکر خود را به یک حزب سیاسی خاص وابسته می‌دانند، تأثیرات آنها اندک بوده و به این بستگی دارد که آیا حزب مربوطه قدرت را در دست دارد یا خیر؟ دسته دیگر حول محور اندیشه‌ها می‌چرخند و افراد عضو آنها عامل اصلی گسترش اندیشه‌های آنها در جهان هستند.^۲ بنابراین داشتن رویکرد دانشگاهی و دانش‌محور یا رویکرد سیاستی و سیاست‌محور عاملی تعیین‌کننده در تعیین کارکرد و حوزه تأثیر یک کانون تفکر محسوب می‌شود.

دیدگاه عمومی آن است که فلسفه وجودی کانون‌های تفکر به حرکت درآوردن تخصص‌ها و ایده‌ها برای اثرگذاری بر فرایندهای سیاستگذاری است. در جهانی که با مسائل عاجل گوناگونی از قبیل فقر مفرط، نابرابری، تغییرات آب‌وهوایی، شهرنشینی گسترده، شیوع بیماری‌های واگیردار، منازعات نظامی، تروریسم بین‌المللی، جنایت‌های سازمان‌یافته و گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی روبه‌رو است، ارائه ایده‌های خوبی که قابلیت کاربردی داشته باشند ضروری به نظر می‌رسد.^۳

1. **Ibid**, p.4.

2. cited in: Slay, Julia, Impact: an enquiry into how think tanks create change, Clore Social Leadership, January 2017, p.4.

3. De Boer, John, What are Think Tanks Good for?, United Nations University: Centre for Policy Research, March 17, 2015.



البته ایده‌های کانون‌های تفکر در همه مواقع به واقعیت تبدیل نمی‌شوند و برای اینکه در دستور کار سیاستگذاری حکومتی قرار گیرند به پافشاری، خبرگی، ایجاد روابط درست و بالاتر از همه زمانمندی مناسب نیاز است. به عقیده کینگدن «برای آنکه صدای شما در فرایند سیاستگذاری شنیده شود، اغلب آنچه اهمیت دارد این است که در موقعیتی قرار داشته باشیم که از فرصت‌های پیش‌آمده بهره ببریم نه اینکه اقداماتی انجام دهیم که کاملاً بر آنها مسلط هستیم»^۱.

کانون‌های تفکر موفق پیشنهاد‌های خود را آماده نگه می‌دارند تا هنگام وقوع یک مسئله که پیشنهاد‌های آنها می‌تواند راه‌حلی برای آن باشد، وارد عمل شوند. البته چنین نیست که ایده‌های خوب همیشه برنده باشند. شوربختانه مواردی وجود داشته است که کانون‌های تفکر ایدئولوژیک از ایده‌های نادرستی پشتیبانی کرده‌اند که شیوه فهم حکومت‌ها از جهان، ارزیابی آنها از گزینه‌ها و رفتار زبان‌بار را شکل داده است. به عنوان مثال، حوادث یازدهم سپتامبر برای برخی از کانون‌های تفکر حامی تغییر نظام در عراق (مانند PNAC^۲) پوششی برای اشغال عراق و سرنگونی صدام حسین به نام گسترش مردم‌سالاری و غلبه بر تروریسم فراهم کرد. کانون تفکر PNAC و دیگر حامیان تغییر نظام چنان در شکل‌گیری اولویت‌های سیاست جرج بوش و دولت وی مؤثر بودند که از مدارک قانع‌کننده مخالفان چشم‌پوشی شد، امری که هزینه‌های سنگین جنگ را به دنبال داشت.^۳

1. Cited in: De Boer, John, What are Think Tanks Good for?, United Nations University: Centre for Policy Research, March 17, 2015.

2. Project for the New American Century.

3. De Boer, John, What are Think Tanks Good for?, United Nations University: Centre for Policy Research, March 17, 2015.

فصل دوم – شیوه‌های تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرایندهای سیاستگذاری

کانون‌های تفکر فضاهایی برای طراحی، طرح‌ریزی و ارزیابی سیاست‌های عمومی و گفتگو پیرامون آنها ایجاد می‌کنند. اما دانش تولید شده در کانون‌های تفکر تا حدود زیادی تحت تأثیر ارتباطات آنها با حوزه کسب‌وکار و گروه‌های ذی‌نفع قرار دارد. روایت غالب، که بسیار تحت تأثیر رویکردهای نظری وبری و لیبرال قرار دارد، بر این باور است که کانون‌های تفکر به تغییرات در الگوی اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، که به نوبه خود موجب تغییر در مدیریت عمومی و دستگاه اداری و قانونگذاری می‌شود. طبق این روایت با عقلانی شدن روزافزون سپهر جامعه، جامعه به دانش تخصصی و توانمندی‌های فنی بیشتری نیاز دارد. دولت به تنهایی قادر به انجام تمام خدمات تخصصی نیست و باید بخشی از آن را به کانون‌های تفکر بسپارد. این روند با عقب‌نشینی دولت از اقتصاد تشدید می‌شود. اما دیدگاه‌ها پیرامون کانون‌های تفکر به همین جا ختم نمی‌شود. در یک سو صاحب‌نظران مارکسیست هستند که به باور آنها کانون‌های تفکر ابزارهایی برای سلطه و کنترل هستند. در سوی دیگر کسانی قرار دارند که با دیدگاهی تکثرگرا معتقدند که کانون‌های تفکر صرفاً یکی از گروه‌های فشار و بنابراین یکی از صداهای مختلف در حکومت‌های مردم‌سالار به شمار می‌روند.^۱

کانون‌های تفکر به شیوه‌های گوناگونی از جمله تفکر تازه و ایده‌های نو، صورت‌بندی مجدد ایده‌های موجود، تغییر در سیاست حکومت، دسترسی به قدرت سیاسی و داشتن

1. Salas-Porrás, Alejandra, Murray, Georgina, Think Tanks and Global Politics: Key Spaces in the Structure of Power, in Think Tanks and Global Politics, edited by Alejandra Salas-Porrás and Georgina Murray, Palgrave Macmillan, 2017, pp.1-23.



حکومت به پاسخگویی در فرایند سیاستگذاری مؤثر هستند. به طور کلی می‌توان شیوه تأثیرگذاری کانون‌های تفکر را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. با تغییر شیوه بحث پیرامون یک موضوع خاص، یا تغییر موضوع،

۲. ارائه آمارها و تحلیل‌های جدید،

۳. ارائه پیشنهادهای متداول به دولت.^۱

روشن است که بسیاری از کسانی که در کانون‌های تفکر فعالیت کرده یا با آنها همکاری دارند تأثیر اصلی خود را در حوزه سیاست و از طریق ارائه ایده‌های جدید برای مسائل پیچیده جستجو می‌کنند. برای انجام درست این مهم، به شرایطی خاص نیاز است. اول اینکه آنها باید پیشنهادی منحصربه‌فرد و از حیث سیاسی جذاب داشته باشند. برای داشتن بیشترین اثر بر بیشترین افراد این پیشنهاد باید مستند باشد و از طریق ائتلاف با شرکا تقویت شود. روابط قوی با سیاستمداران، مشاوران آنها و مسئولان دولتی به اتخاذ ایده‌های سیاستی نو به هنگام باز بودن پنجره‌های فرصت، کمک می‌کند. اما هنگامی که فضای سیاسی آمادگی لازم را برای پذیرش یک ایده ندارد چه روی می‌دهد؟ در چنین شرایطی کانون‌های تفکر وظیفه مهم ممکن کردن امر نامحتمل را بر عهده دارند. آنها همچنین فضایی امن برای سیاستمداران و سیاستگذاران به منظور گفتگو پیرامون ایده‌ها و قابلیت عمومی کردن آنها فراهم می‌سازند.^۲

1. Slay, Julia, Impact: an enquiry into how think tanks create change, Clore Social Leadership, January 2017, p.6.

2. Slay, Julia, Impact: an enquiry into how think tanks create change, Clore Social Leadership, January 2017, p.17.

اگرچه فعالیت‌های کانون‌های تفکر به روشنی افزایش یافته است، اما همان گونه که پیش‌تر ذکر شد داوری پیرامون تأثیرات آنها آسان نیست. یکی از دلایل این مسئله، دشواری روش‌شناختی اندازه‌گیری تأثیر تجربی کانون‌های تفکر است. فهرستی از برخی شاخص‌های کمی که ممکن است برای ارزیابی میزان اهمیت یک کانون تفکر به کار روند به این شرح است:^۱

- میزان رسانه‌ای شدن،

- آثار منتشر شده،

- ارجاع به کانون‌های تفکر در نشریات دانشگاهی و دولتی،

- گواهی دادن در برابر کمیته‌های قانونی،

- شمار اعضای که به سمت‌های دولتی رسیده‌اند.

دشواری‌هایی که در اندازه‌گیری تأثیرات کانون‌های تفکر با آنها روبه‌رو می‌شویم همان‌هایی است که اغلب در علوم اجتماعی مشاهده می‌شود. به ندرت امکان جدا کردن عوامل تأثیرگذاری مشخص وجود دارد، زیرا در زندگی سیاسی شرایط آزمایشگاهی وجود ندارد. همچنین در کنار کانون‌های تفکر بسیاری دیگر از فعالان برای تأثیرگذاری تلاش می‌کنند از قبیل لابی‌ها و احزاب سیاسی. همچنین بر فراز اینها، تماس‌های غیررسمی قرار دارد، یا به عبارتی ناحیه خاکستری تأثیرگذاری، که از اندازه‌گیری می‌گریزد. بنابراین شاید بهترین راه برای ارزیابی تأثیر مشاوره‌های یک کانون تفکر بر خروجی‌های سیاسی، الگوی مطالعات موردی باشد.^۲

1. Traub-Merz, Rudolf, Do We Need More and More Think Tanks?, in Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?, Briefing Paper Special Issue, Shanghai, September 2011, pp.4-8.

2. Traub-Merz, Rudolf, Do We Need More and More Think Tanks?, in Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?, Briefing Paper Special Issue, Shanghai, September 2011, pp.4-8.



در ایالات متحده کانون‌های تفکر گوناگونی از جمله مؤسسه امریکن انترپرایز،^۱ مؤسسه هور،^۲ بنیاد هریتیج^۳ و مؤسسه بروکینگز^۴ نقش‌هایی فعال در کارزارهای گوناگون انتخابات ریاست‌جمهوری و دوره‌های گذار پس از آن بر عهده گرفته‌اند. در واقع بسیاری از کارشناسان این نهادها به دونالد ترامپ، باراک اوباما، جورج بوش و دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری در زمان تبلیغات مشاوره داده و کوشیده‌اند پیشنهادهای سیاستی خود را به آنها و مسئولان دولت‌های آنها منتقل کنند.^۵

کانون‌های تفکر به‌رغم تکثرگرایی، در برخی ویژگی‌ها مشترک هستند: آنها اغلب سازمان‌هایی غیرانتفاعی و غیرحزبی هستند که به بررسی سیاست عمومی اشتغال دارند. به روشنی یکی از کارکردهای اولیه کانون‌های تفکر کمک به آموزش سیاست‌گذاران و مردم در رابطه با مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم است. کانون‌های تفکر به عنوان آموزگاران، برای انتقال دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود به مخاطبان مختلف، به منابع اطلاعاتی و تخصصی گوناگونی تکیه می‌کنند. همان‌گونه که آموزگاران تلاش می‌کنند ذهن دانش‌آموزان خود را شکل دهند، کانون‌های تفکر نیز فعالانه در جستجوی شکل‌دهی به باور عمومی مردم و اولویت‌ها و گزینه‌های سیاست رهبران هستند.^۶

-
1. American Enterprise Institute
 2. Hoover Institution
 3. The Heritage Foundation
 4. Brookings Institution
 5. E. Abelson, Donald, Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes, Third Edition, McGill-Queen's University Press, 2018, p.4.
 6. E. Abelson, Donald, Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes, Third Edition, McGill-Queen's University Press, 2018, pp.13-15.

کانون‌های تفکر گاهی به عنوان کارگزاران پژوهشی^۱ یعنی واسطه میان جامعه علمی و سیاستگذاران عمل می‌کنند. آنها در این نقش یافته‌های خود را به شیوه‌ای ساده و فهم‌پذیر با مسئولان حکومت در میان می‌گذارند. کانون‌های تفکر در برخی از دیگر موارد به عنوان انجمنی برای سیاستگذاران، دانشگاهیان و نمایندگان بخش خصوصی و غیرانتفاعی با هدف گفتگو پیرامون نگرانی‌های مشترک عمل می‌کنند. با فهم بهتر اولویت‌های کانون‌های تفکر، که معمولاً با کاوش در چگونگی تخصیص بودجه‌های آنها قابل ارزیابی است، می‌توان به صورت آگاهانه‌تر از راهبردهای این کانون‌ها برای انتقال اندیشه‌های خود شناخت پیدا کرد.^۲

بی‌تردید شکافی میان جهان اندیشه‌ها و جهان سیاست وجود دارد، زیرا دانشگاهیان و سیاستگذاران بر اساس فرهنگ‌های سازمانی، محدودیت‌های زمانی و نظام‌های تشویقی متفاوتی تعریف می‌شوند. کانون‌های تفکر یا به عبارتی سازمان‌های پژوهشی سیاست عمومی از رهگذر ایفای نقش‌هایی مهم در فرایند سیاستگذاری به رفع این شکاف کمک می‌کنند از جمله: ارائه تحلیل‌ها و تحقیق‌های اصیل؛ تولید اطلاعات جدید؛ ارائه مشاوره‌های سیاستی؛ ارزیابی برنامه‌ها و سیاست‌های عمومی؛ یافت، آموزش و پرورش استعدادها؛ فراهم‌سازی محیطی برای چهره‌های شناخته شده ملی که اکنون در دولت مشغول به کار نیستند یا برای رسیدن به سمت‌های کلیدی در دولت تلاش می‌کنند.^۳ بنابراین نقش اصلی کانون‌های تفکر ایجاد یک پل میان دانش و جهان سیاستگذاری است.

1. Research Brokers

2. *Ibid*, pp.15-16.

3. G. McGann, James, Sabatini, Richard, *Global Think Tanks, Policy networks and Governance*, Routledge, 2011, pp.3-4.



پژوهش‌های این نهادها باید برای سیاستگذاران سودمند باشد، مسائل و مشکلات سیاسی نهفته در گزینه‌های سیاست را گوشزد کند و پیشنهادهایی را مطرح کند که برای تصمیم‌گیران واقعاً قابل اجرا باشد. کانون‌های تفکر همچنین باید به منظور ساماندهی جامعه با ایده‌ها و فضا‌های سیاسی گسترده‌تر ارتباط داشته باشند، البته بدون آنکه به نهادهایی ایدئولوژیک تبدیل شوند.^۱

هنگام بررسی کانون‌های تفکر به پدیده شبکه‌سازی نیز برمی‌خوریم. بی‌شک جهانی‌سازی و توسعه فناوری‌های ارتباطات شبکه‌سازی را تسهیل می‌کند. بسط موضوعات سیاستی تا فراسوی مرزها یک ویژگی مشترک برای صحنه بین‌المللی کنونی است. نزاع‌ها و مشکلات دیگر به مرزهای فیزیکی مشخص محدود نمی‌شود. تهدیدهای تروریستی، بلایای طبیعی و بیماری‌های واگیردار به واکنش‌هایی سریع و سازمان‌یافته در عرصه سیاست‌های میان‌کشورها نیاز دارند. قانونگذاری مالی و محیط زیستی به طراحی سیاستی و برنامه‌ریزی معقول نیاز دارد که فعالان مختلف را صرف‌نظر از مرزهای فیزیکی درگیر می‌کند. شبکه‌های سیاستی می‌توانند نهادها و حکومت‌ها را صرف‌نظر از فاصله‌های فیزیکی به یکدیگر متصل کرده و طراحی و اجرای سیاست‌ها را تسهیل کنند. کانون‌های تفکر می‌توانند اهمیت و دقت تحلیل‌های سیاستی خود را با مشارکت دادن فعالان مختلف با جغرافیا، اندیشه‌ها و کارکردهای مختلف، در شبکه‌های پژوهشگران، اعضا و همکاران خود، افزایش دهند. شبکه‌های کانون‌های تفکر وسیله طبیعی یک نهاد برای جذب شدن در

1. Balfour, Rosa, What are Think Tanks for?: Policy Research in the Age of Anti-expertise, ISE IDEAS, TRATEGIC UPDATE 17.7, December 2017.

یک محیط سیاستگذاری و جامعه مدنی جدید هستند.^۱ شبکه‌ها خواه داخلی و خواه خارجی، به کانون‌های تفکر قدرت‌های نوظهور اجازه می‌دهند به منابع و اندیشه‌های جهانی دسترسی پیدا کنند.^۲

فصل سوم – چالش‌های رویاروی کانون‌های تفکر در تأثیرگذاری

در حالی که کانون‌های تفکر نقش‌هایی کلیدی در فرایند سیاستگذاری بر عهده می‌گیرند، اما با محدودیت‌های مختلفی نیز روبه‌رو هستند که نه تنها بر عملکرد آنها، بلکه همچنین بر میزان موفقیت آنها در زمینه اثر گذاشتن بر تصمیم‌های سیاستی تأثیر می‌گذارد. کانون‌های تفکر در سراسر جهان با مشکلاتی از قبیل بودجه، مقبولیت سیاسی، موانع زبانی و فرهنگی و رقابت برای مدیریت اندیشه‌ها روبه‌رو هستند.^۳

کانون‌های تفکر در بهترین حالت می‌توانند مسائل پیچیده را تحلیل کنند، فراتر از یک منطقه یا کشور به دنبال مستندات و ایده‌ها بگردند و راه‌حل‌های ممکن سیاسی را تولید کنند. آنها می‌توانند از ایده‌های بزرگی سخن بگویند که نزد بسیاری از حیث سیاسی نامعقول به نظر می‌رسند و می‌توانند با شیوه‌های منحصربه‌فردی بر نظام سیاسی اثر گذاشته و آن ایده‌ها را به واقعیت تبدیل کنند. اما کانون‌های تفکر در بدترین حالت ممکن

1. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.72.

2. G. McGann, James (editor), Think Tanks and Emerging Power Policy Networks, Palgrave macmillan, Philadelphia, 2018, p.115.

3. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.63.



است به تکرار و انفعال دچار شوند. آنها ممکن است پیوند خود را با زندگی روزمره مردم از دست داده و تنها با گروه اندکی از نخبگان سیاسی سخن گفته و کارهایی را تکرار کنند که پیش‌تر انجام شده است. کانون‌های تفکر باید خلاقیت داشته باشند تا بتوانند برای مسائل حل نشده ایده‌های نوینی با تمرکز بر آینده و نه گذشته طرح کنند.^۱ علاوه بر تفکر خلاقانه باید توجه داشت که موضوعات مختلف به روش‌های پژوهشی متفاوتی نیاز دارند. به عنوان مثال هنگام بررسی وضعیت انرژی، آلودگی و محیط زیست، داده‌های کمی مناسب‌تر است و هنگام بررسی انگیزه‌های گسترش جنگ‌افزارهای کشتار جمعی روش‌های دیگر کارایی بیشتری دارند.^۲

همه کانون‌های تفکر با چالشی مشترک روبه‌رو هستند، اینکه چگونه به استقلال دست‌یافته و آن را حفظ کنند تا بتوانند حقیقت را به گوش قدرت برسانند. شوربختانه همه کانون‌های تفکر دارای استقلال مالی، فکری و حقوقی نیستند. این مسئله در کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد.^۳ کانون‌های تفکر در صورت داشتن عینیت و استقلال، دانش و قدرت، به نیروهای متوازن‌کننده مهمی در برابر قدرت حکومت تبدیل می‌شوند.^۴ البته استقلال به معنای قطع رابطه با سیاستگذاران و تصمیم‌گیران نیست و باید میان این دو اصل تعادل برقرار شود. داشتن ارتباطات و حضور در مباحث عمومی بدون تردید یکی از هدف‌های کلیدی کانون‌های تفکر است، اما نباید به قیمت از

1. Slay, Julia, Impact: an enquiry into how think tanks create change, Clore Social Leadership, January 2017, p.18.

2. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.8.

3. **Ibid**, p.4.

4. **Ibid**, p.14.

دست دادن هدف اصلی یعنی پژوهش‌های سیاستی و فدا کردن کیفیت در راه کمیت انجام شود.^۱

شاید مهم‌ترین موضوعی که کانون‌های تفکر امروزه در سراسر جهان با آن مواجهه هستند، مشکلات بودجه است. بخش قابل توجهی از کانون‌های تفکر برای تأمین نیازهای مالی سالیانه خود به کمک‌های اشخاص، شرکت‌ها و دیگر نهادهای خصوصی و دولتی متکی هستند. در نتیجه این امکان وجود دارد که کانون‌های تفکر به آسانی گوش به فرمان منافع حامیان مالی شده و تنها به موضوعات خاصی پرداخته و از کار پژوهشی گسترده غافل شوند. این نوع تخصیص بودجه به موضوعات کاملاً مشخص می‌تواند از نوآوری جلوگیری کند. افزایش رقابت برای کسب بودجه سبب افزایش میزان وابستگی شده و استقلال کانون‌های تفکر را به خطر می‌اندازد.^۲ شاید یکی از علل کاهش نرخ تأسیس کانون‌های تفکر جدید در دهه اخیر را بتوان مسائل مالی و کمبود بودجه دانست.^۳ مقبولیت سیاسی و توانایی برقراری ارتباط با سیاستگذاران، رسانه‌ها و مردم نیز موضوعی مهم برای کانون‌های تفکری است که می‌خواهند بر فرایند سیاستگذاری تأثیر بگذارند. موانع زبانی و فرهنگی نیز یک چالش مهم برای حال و آینده نهادهای دانش‌بنیان است. این مسئله بیشتر در مورد تأسیس کانون‌های تفکر جهانی بروز می‌کند که باید با

1. Balfour, Rosa, What are Think Tanks for?: Policy Research in the Age of Anti-expertise, ISE IDEAS, TRATEGIC UPDATE 17.7, December 2017.

2. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.63.

3. G. McGann, James, '2016 Global Go To Think Tank Index Report', TTCsP Global Go To Think Tank Index Reports. 12.

http://repository.upenn.edu/think_tanks/12, 2017.



جامعه مدنی و ساختارهای سیاستگذاری جدید آشنا شوند. بدون یک نظام سیاسی جهانی یا احزاب جهانی، کانون‌های تفکر ناچارند هنگام ورود به یک منطقه جدید فنون تأثیرگذاری بر سیاستگذاری را از نو بیاموزند، فنونی که چه‌بسا با معیارها و فنون پیشین ناسازگاری داشته باشند.^۱

از برخی جهات خود «سونامی اطلاعات» که سیاستگذاران را به جستجوی کانون‌های تفکر برای کسب پیشنهادهای سیاستی فشرده و دقیق سوق می‌دهد، چالش‌هایی را در زمینه رقابت برای مدیریت اندیشه‌ها ایجاد می‌کند. بازار اندیشه‌ها شلوغ است و کانون‌های تفکر تنها تولیدکنندگان ایده‌های نوآورانه و خلاقانه نیستند زیرا دانشگاه‌ها و کسب‌وکارها نیز به تفکر سیاستی مشغولند.^۲

اما مسئله نگران‌کننده دیگری که ممکن است جایگاه کانون‌های تفکر را تهدید کند افزایش دور زدن مشاوره کارشناسی و واسطه‌گری نهادهای دمکراتیک است. به عبارت دیگر حال که به نظر در عصر «پسا - حقیقت» [post-truth] به‌سر می‌بریم، اگر دروغ شکوفا شود دیگر چه نیازی به کارشناسان است؟ این رویدادی تناقض‌آمیز است، زیرا حمله به کارشناسی و تخصصی در زمانه‌ای رخ می‌دهد که بیش از همیشه بدان نیاز داریم. جهانی‌سازی و دگرگونی فناوری‌ها جهان را پیچیده‌تر و درهم‌بافته‌تر کرده و لاغر شدن بخش عمومی، آمادگی دولت‌ها را برای مقابله با این پیچیدگی کاهش داده است. این امر موجب از میان بردن جنبه سیاسی جهانی‌سازی و پیدایش رویکردهای «گزینه دیگری نیست» شده است، در صورتی که

1. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, pp.63-64.

2. G. McGann, James, Sabatini, Richard, Global Think Tanks, Policy networks and Governance, Routledge, 2011, p.65.

ارزیابی چالش‌های نوظهور و پیامدهای آنها برای جامعه، به تخصص و دانش ژرف نیاز دارد. طراحی سیاست‌ها برای پاسخگویی به این تغییرات به رویکردهایی کل‌گرایانه و مشارکت گروه‌های مختلف نیازمند است تا بتوان سیاست را در جامعه پیاده کرد. تحقق این مهم هدف کانون‌های تفکر است. در عصر ضدیت با تخصص لازم است کانون‌های تفکر نقش خود را در جامعه بار دیگر احیا و اهمیت پژوهش سیاستی را ثابت کنند.^۱

فصل چهارم – پیشنهادهایی برای رابطه متقابل کانون‌های تفکر و حکومت‌ها

به نظر یکی از سناتورهای پیشین کانادایی به نام هاگ سگال،^۲ کانون‌های تفکر زمانی در بدترین وضعیت قرار می‌گیرند که بسیار ایدئولوژیکی عمل کرده و علی‌رغم وجود شواهد مخالف، پیوسته برای هرگونه پرسشی یافته‌هایی پیش‌بینی‌پذیر تولید کنند. نباید برای چنین کانون‌های تفکری اعتبار قائل شد. یک آفت دیگر را می‌توان «تفکر خودکار»^۳ برشمرد. گفتگو میان افرادی که دیدگاه‌هایی یکسان دارند می‌تواند آنها را به افراط در دیدگاه‌هایشان بکشاند. به عبارت دیگر رویارو نشدن با افرادی با دیدگاه‌های مختلف می‌تواند به «تصمیم‌گیری پیوسته سوگیرانه» بینجامد. بنابراین سیاستگذاران باید از سوگیری‌های خود آگاهی داشته باشند تا از گزینش شواهد تأییدکننده دیدگاه خودشان پرهیز کنند.^۴

1. Balfour, Rosa, What are Think Tanks for?: Policy Research in the Age of Anti-expertise, ISE IDEAS, TRATEGIC UPDATE 17.7, December 2017.

2. Hugh Segal

3. Thinking Automatically

4. De Boer, John, What are Think Tanks Good for?, United Nations University: Centre for Policy Research, March 17, 2015.



در مقابل مفهوم «تفکر خودکار» مفهوم نوآوری یا «تفکر نوآورانه» وجود دارد که برای کارکرد یک کانون تفکر امری ذاتی است. کانون‌های تفکر از تفکر رایج پرسش کرده و اندیشه‌های متداول را به چالش می‌کشند؛ شیوه‌های نو و متفاوتی برای اندیشیدن به چیزها و صورت‌بندی مسائل مطرح می‌کنند. اگر یک کانون تفکر چیزی را به چالش نکشد، در حقیقت کار خود را به درستی انجام نداده است. اگر کانون‌های تفکر سیاستگذاران را (دست‌کم در آغاز) نگران و مضطرب نکنند، به احتمال زیاد تفکر آنها فاقد نوآوری است.^۱ بی‌تردید حکمرانی خوب به تصمیم‌گیری متفکرانه و مستند نیاز دارد. کانون‌های تفکر می‌توانند نقش مهمی در حوزه قانونگذاری، سیاستگذاری و مباحث عمومی داشته باشند. در رابطه میان کانون‌های تفکر و حکومت‌ها می‌توان پیشنهادهایی را برای هر یک از طرفین مطرح کرد.^۲

پیشنهادهایی برای کانون‌ها تفکر فعال در زمینه قانونگذاری:

- همکاری با مسئولان از طریق پژوهش، تحلیل، نگارش گزارش‌ها، گفتگو در نشست‌ها، شوراها و گروه‌های مشاوره‌ای،
- ارائه تحلیل‌های همه‌جانبه و جامع از دیدگاه‌های گوناگون،
- رویکرد میان‌رشته‌ای و ترکیب عناصر قانونی با عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی و غیره،
- وضع قواعد دقیق برای همکاری با سیاستمداران با هدف حفظ استقلال کانون تفکر،

1. Halle, Mark, *The Art of Influence: How think tanks make a difference*, International Institute for Sustainable Development, 2015.

2. Institute for Law and Society (INPRIS), *How Legal Think Tanks provide, or fail to provide, knowledge to governments in Central and Eastern Europe*, September 2017.

- تعیین مخاطب یافته‌های کانون تفکر و ارتباط با عامه مردم با به‌کارگیری فناوری اطلاعات،
 - همکاری با دانشگاه و ایفای نقش واسطه میان سیاستگذاران و دانشگاهیان.
- پیشنهادهایی برای حکومت‌ها:
- حکومت‌ها باید از مشارکت عمومی در سیاستگذاری اطمینان حاصل کرده و با نهادهای مستقل گفت‌وگوی حقیقی داشته باشند،
 - حکومت‌ها می‌توانند کانون‌های تفکر داخلی تأسیس کنند. این کانون‌های تفکر حکومتی می‌توانند به عنوان پلی برای برقراری ارتباط با کانون‌های تفکر مستقل بیرون از حکومت عمل کنند،
 - کانون‌های تفکر حکومتی تنها در صورتی برای گفت‌وگوی عمومی سودمند خواهند بود که استقلال حرفه‌ای آنها حفظ شود و صرفاً شبه‌کانون‌های تفکری نباشند که از سیاست‌های حکومت‌ها پشتیبانی می‌کنند،
 - حکومت‌ها باید اطلاعات عمومی مهم را منتشر و دسترسی به آن را تضمین کنند،
 - حکومت‌ها باید راهبردهایی برای ارتباط با کانون‌های تفکر تعیین کنند.

نتیجه‌گیری

کانون‌های تفکر یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم و ارتش فکری یک کشور محسوب می‌شوند. در جهانی که بیش از پیش با چالش‌هایی پیچیده روبه‌رو است، به نهادهایی نیاز است که بتوانند راه‌حل‌ها و پیشنهادهای کاربردی را بدون سوگیری و در زمان مناسب برای تصمیم‌گیران عرصه سیاست فراهم سازند. کانون‌های تفکر به عنوان سازمان‌های پژوهشی سیاست عمومی به رفع شکاف میان جهان اندیشه‌ها و جهان سیاست کمک



می‌کنند. بنابراین یک کانون تفکر موفق باید بتواند در میانه این دو حوزه قرار بگیرد، یعنی نه به کار پژوهشی صرف مشغول شده و ارتباط خود را با سیاست قطع کند و نه با نزدیک شدن بیش از حد به جریان‌ها و گفتمان‌های سیاسی از کار پژوهشی بنیادین غافل شود. داشتن رویکرد دانشگاهی و دانش‌محور یا رویکرد سیاستی و سیاست‌محور عاملی تعیین‌کننده در تعیین کارکرد و حوزه تأثیر یک کانون تفکر محسوب می‌شود. کانون‌های تفکر در عصر سیل عظیم اطلاعات می‌توانند اطلاعات خوب را حفظ کرده و یافته‌های مطالعات بنیادین را به گزینه‌های سیاستی برای سیاستمداران ترجمه کنند. تأثیرگذاری کانون‌های تفکر بر فرایند سیاستگذاری به طور کلی از سه طریق انجام می‌شود:

۱. تغییر شیوه بحث پیرامون یک موضوع خاص یا تغییر موضوع بحث،

۲. ارائه آمارها و تحلیل‌های جدید،

۳. ارائه پیشنهادهایی به دولت.

کانون‌های تفکر به عنوان صدایی مستقل در سیاست، می‌توانند با بهره‌گیری از فضای رسانه‌ای، نگارش یادداشت‌ها و گزارش‌های کارشناسی گفتمان‌های سیاستی و زبان قانونگذاری را شکل دهند. از جمله معیارهای اندازه‌گیری تأثیرگذاری کانون‌های تفکر می‌توان به شمار استناد در رسانه‌ها به پژوهش‌های آنها و همچنین مقایسه اولویت‌های سیاستی کانون‌های تفکر با خروجی نهایی سیاست‌های حکومتی اشاره کرد. با گسترش جامعه سیاستگذاری و بازیگران عرصه تعیین سیاست‌ها، کانون‌های تفکر برای حفظ جایگاه و نقش خود در جامعه و فرایند سیاستگذاری باید به اصولی همچون استقلال مالی، فکری و حقوقی و همچنین عینیت و کیفیت پژوهش پایبند باشند و صرفاً به تأیید دیدگاه‌های قدرت حاکمه نپردازند. در اینجاست که موضوع «تفکر خودکار» در برابر «تفکر خلاق» مطرح می‌شود. کانون‌های تفکری که صرفاً

تأییدکننده سیاست‌های حزب یا دولت حاکم باشند، قدرت تفکر خلاق و ارائه گزینه‌های متنوع را از دست داده و از فلسفه وجودی خود فاصله می‌گیرند. مواردی وجود داشته است که کانون‌های تفکر ایدئولوژیک با پشتیبانی از ایده‌های نادرست، حکومت‌ها را به سوی رفتار زیان‌بار سوق داده‌اند. تأمین بودجه کانون‌های تفکر توسط دولت‌ها ممکن است موجب تضعیف روحیه خلاقیت در ارائه گزینه‌های سیاستی گوناگون شود. در ایالات متحده که مقری برای بزرگ‌ترین و پُرآوازه‌ترین کانون‌های تفکر جهان است، تفاوت در منابع بودجه‌ای کانون‌های تفکر محافظه‌کار و لیبرال به تفاوت در راهبردها، رهبری، شیوه تخصیص بودجه و معیارهای استخدام اعضا منجر می‌شود. با این تلقی کانون‌های تفکر چنانچه در کشوری فعال شوند به تعمیق سیاست و سیاستگذاری کمک مؤثر می‌کنند و موجب ارتقای سیاست‌ها و سیاستگذاری‌ها در روند توسعه کشور می‌شوند.

منابع و مآخذ

1. Balfour, Rosa, *What are Think Tanks for?: Policy Research in the Age of Anti-expertise*, ISE IDEAS, TRATEGIC UPDATE 17.7, December 2017.
2. De Boer, John, *What are Think Tanks Good for?*, United Nations University: Centre for Policy Research, March 17, 2015.
3. E. Abelson, Donald, *Do Think Tanks Matter? Assessing the Impact of Public Policy Institutes*, Third Edition, McGill-Queen's University Press, 2018.
4. G. McGann, James, *Think Tanks and Policy Advice in The US*, Foreign Policy Research Institute, August, 2005.
5. G. McGann, James, Sabatini, Richard, *Global Think Tanks, Policy networks and Governance*, Routledge, 2011.
6. G. McGann, James, '2016 Global Go To Think Tank Index Report', TTCsP Global Go To Think Tank Index Reports. 12.



- http://repository.upenn.edu/think_tanks/12, 2017.
7. G. McGann, James, 2017 Global Go To Think Tank Index Report.
 8. G. McGann, James (editor), *Think Tanks and Emerging Power Policy Networks*, Palgrave macmillan, Philadelphia, 2018.
 9. Halle, Mark, *The Art of Influence: How think tanks make a difference*, International Institute for Sustainable Development, 2015.
 10. Institute for Law and Society (INPRIS), *How Legal Think Tanks provide, or fail to provide, knowledge to governments in Central and Eastern Europe*, September 2017.
 11. Jérôme-Forget, "Institute for Research on Public Policy".
 12. Rich, Andrew, *Think Tanks, Public Policy, and the Politics of Expertise*, Cambridge University Press, 2004.
 13. Rich, Andrew, Weaver Kent, *Think Tanks in the Political System of the United States*, in *Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?*, Briefing Paper Special Issue, Shanghai, September 2011.
 14. Salas-Porras, Alejandra, Murray, Georgina, Think Tanks and Global Politics: Key Spaces in the Structure of Power, in *Think Tanks and Global Politics*, edited by Alejandra Salas-Porras and Georgina Murray, Palgrave Macmillan, 2017.
 15. Slay, Julia, *Impact: an enquiry into how think tanks create change*, Clore Social Leadership, January 2017.
 16. Sun Zhiru, Zhang Zhiqiang, *Measuring Think Tank Influence Using Quantitative Text Analysis*, International Conference on Information, Business and Education Technology (ICIBIT 2013).
 17. Traub-Merz, Rudolf, *Do We Need More and More Think Tanks?*, in *Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?*, Briefing Paper Special Issue, Shanghai, September 2011.
 18. Urrutia, Olivier, *The Role of Think Tanks in the Definition and Application of Defence Policies and Strategies*, Revista del Instituto Español de Estudios Estratégicos, Núm. 2 / 2013.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۶۸۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: نقش کانون‌های تفکر در فرایند سیاستگذاری

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه مطالعات بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین: طالب جابری

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

ویراستار تخصصی: _____

ویراستار ادبی: _____

واژه‌های کلیدی:

۱. کانون تفکر
۲. سیاستگذاری
۳. جامعه سیاستگذاری
۴. تفکر خودکار
۵. تفکر نوآورانه
۶. مؤلفه‌های قدرت نرم



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۷/۲۸